

بررسی ساخت‌های گواه‌نما در گفتمان قرآن کریم از منظر آيخنوالد (مطالعه موردی سوره هود)

مسعود دهقان*^۱ (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)
عطیه کرمی^۲ (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)
شهره غلامزاده^۳ (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، آموزش عالی جهاد دانشگاهی، کرمانشاه، ایران)

DOI: [10.22034/jilr.2024.141099.1159](https://doi.org/10.22034/jilr.2024.141099.1159)



تاریخ الوصول: ۲۰۲۴/۰۴/۱۵

تاریخ القبول: ۲۰۲۴/۰۵/۱۳

صفحات: ۱۹-۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

چکیده

زبان ابزاری مؤثر در هدایت انسان محسوب می‌شود و مخاطب قرآن کریم، کتاب الهی، انسان است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی ساخت‌های گواه‌نمای موجود در آیات سوره مبارکه هود از منظر آيخنوالد (۲۰۰۴) است. این سوره یازدهمین سوره قرآن و حاوی ۱۲۳ آیه است. گواه‌نمایی ابزاری زبانی برای نشان‌دادن منبع خبر است که در معنای ثانویه خود برای نشان‌دادن صدق گفتار نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگارندگان در صددند تا نشان دهند که در این سوره از قرآن چه ساخت‌های گواه‌نمایی مورد استفاده قرار گرفته است؟ و کدام یک از ساخت‌ها نسبت به بقیه از بسامد بیشتری برخوردار است؟ یافته‌ها نشان داد با اینکه کلام الهی خود به‌عنوان سندی معتبر و مستحکم در میان مردم و مسلمانان است، اما در آیات قرآن کریم نیز که به زبان عربی نوشته شده از ابزار زبانی گواه‌نمایی همچون زمان حال ساده، گذشته ساده و آینده ساده، ساخت گزارشی، و واژه‌های گواه‌نما استفاده شده است. نتایج نشان داد که زمان‌های حال ساده، گذشته ساده، حال استمراری و آینده، ساخت‌های گزارشی، ساخت‌های تأکیدی و ضمائر اشاره دیگر ساخت‌های گواه‌نمای مورد استفاده در این سوره هستند و به همین ترتیب از بیشترین تا کمترین میزان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین، زمان آینده برخلاف ما انسان‌ها برای خداوند گواه دست اول محسوب می‌شود، زیرا زمام تمام امور در دست اوست و وقوع آن حتمی است. علاوه‌براین، از بررسی آیات دریافتیم که خداوند در هنگام استفاده از ساخت گزارشی به ذکر دقیق منابع، اشخاص و گروه‌ها می‌پردازد تا کلام واضح، شفاف و قاطع باشد.

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: m.dehghan@uok.ac.ir

^۲ پست الکترونیک: atiyeh.karami92@gmail.com

^۳ پست الکترونیک: farhangi.idk@gmail.com

به‌طور کلی، مشخص شد که ذکر دقیق منبع گزارش در آیات و روایات از حساسیت بالایی برخوردار است و این صراحت و دقت در پذیرش و دریافت مطلب توسط مخاطب تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد.

کلید واژه‌ها: گواہنامایی، ساخت‌های گواہناما، قرآن کریم، سوره هود

دراسة التراكيب الاستدلالية في خطاب القرآن الكريم (دراسة حالة سورة هود)

اللغة هي أداة فعالة في توجيه الإنسان، وجمهور القرآن الكريم، كتاب الله، هو الإنسان. يهدف هذا البحث إلى دراسة التراكيب الاستدلالية الواردة في آيات سورة هود المباركة. وهذه هي السورة الحادية عشرة في القرآن وتحتوي على ١٢٣ آية. الاستدلالية هي أداة لغوية تشير إلى مصدر الخبر، والتي تُستخدم في معناها الثانوي أيضًا للإشارة إلى صدق الكلام. سعى المؤلفون إلى إظهار التراكيب القرآنية المستخدمة في هذه السورة، وأي من التراكيب كان أكثر تكرارًا من غيرها. وأظهرت النتائج أنه على الرغم من أن الكلام الإلهي نفسه هو وثيقة موثوقة وثابتة بين الناس والمسلمين، فإن الآيات القرآنية الكريمة المكتوبة باللغة العربية قد استخدمت أداة الاستدلال اللغوي مثل الزمن الحاضر البسيط، الماضي البسيط، والمستقبل البسيط، وتراكيب التقارير، وكلمات الاستدلال. وأظهرت النتائج أن أزمنة الحاضر البسيط، والماضي البسيط، والحاضر، والمستقبل، وتراكيب التقارير، والتوكيد، وأدوات الإشارة هي تراكيب استدلالية أخرى تم استخدامها في هذه السورة، وتم ترتيبها من الأكثر إلى الأقل استخدامًا. كذلك، يُعتبر الزمن المستقبلي، على عكسنا نحن البشر، دليلاً من الدرجة الأولى بالنسبة لله، لأن كل الأمور بيده ووقعها مؤكد. بالإضافة إلى ذلك، من خلال فحص الآيات، وجدنا أن الله، عند استخدام تركيب التقرير، يذكر بدقة المصادر والأشخاص والمجموعات، بحيث يكون الكلام واضحًا وحاسمًا. وبشكل عام، اتضح أن الذكر الدقيق لمصدر التقرير في الآيات والروايات ذو حساسية عالية، وأن هذا الوضوح والدقة في قبول واستيعاب المقالة من قِبَل الجمهور يمكن أن يكون له تأثير كبير.

الكلمات المفتاحية: الاستدلالية، التراكيب الاستدلالية، القرآن الكريم، سورة هود

مقدمه

قرآن کریم کلام الهی است و زبان وسیله ارتباطی انسان‌ها است. بنابراین، کلام و زبان می‌تواند در هدایت و تغییر مسیر آدمی بسیار تأثیرگذار واقع شود. برقراری ارتباط و دریافت خبر همواره در تعاملات میان انسان‌ها اهمیت داشته است. نشان دادن منبع خبر در برخی جوامع بسیار اهمیت دارد، به گونه‌ای که ساخت‌های صرفی خاص و مشخصی برای بازنمایی آن وجود دارد. همین موضوع پژوهشگران متعددی را بر آن داشت تا با نگاه موشکافانه‌تری به این زبان‌ها و صورت‌های زبانی مورد استفاده آن‌ها بپردازند. آیکهنوالد^۱ (۳:۲۰۰۴) گواه‌نمایی^۲ را مقوله‌ای زبان‌شناختی معرفی می‌کند که در معنای اولیه خود منبع خبر را نشان می‌دهد. این مقوله، درواقع، بدون آنکه درست یا نادرست بودن گفتار گوینده و یا قاطعیت آن را مشخص نماید، تنها نشان‌دهنده شیوه کسب خبر است. درواقع، می‌توان گواه‌نمایی را زیرمجموعه معرفت‌شناختی در نظر گرفت که در تأیید صحت اطلاعاتی که گوینده در کلام خود ارائه می‌دهد، به کار می‌رود. از این‌رو، برای این مقوله زبانی دو کارکرد اساسی وجود دارد: نخست ارائه منبع خبر و دیگری، تأثیر گوینده بر شنونده (پالمر^۳، ۱۹۸۶؛ چیف^۴ و نیکولز^۵، ۱۹۸۶؛ سعید^۶، ۲۰۰۹).

بواس^۷ (۱۳۳:۱۹۳۸) منبع خبر را از هر نوع آن اعم از دیداری، شنیداری یا استنباطی همچون قطعیت، زمان و شمار جزء وجه‌های اجباری در یک زبان در نظر می‌گیرد. آیکهنوالد (۱۱۵:۲۰۰۴) در مورد زبان فارسی بر این باور است که زمان-نمود^۸ کامل استمراری در این زبان در معنای ثانویه خود بیانگر گواه غیردست اول است و نمود ناقص می‌تواند نشان‌دهنده گواه دست اول باشد. جمله نخست در نمونه زیر در بخش کلام مستقیم دارای نمود ناقص است و بیانگر آن است که گوینده از نزدیک شاهد ماجرا بوده است. از این‌رو، نمود ناقص در معنای ثانویه خود به اطلاع دست اول اشاره دارد. در مقابل، به کارگیری نمود ناقص استمراری در جمله آخر نشان‌دهنده این است که گوینده خبر را خود به دست نیاورده و خبر غیر دست اول است.

“tuje	xâne-jeman	ke	kâr	mi-kard,
in	house-PRON:1Pl	SUB	work	do:IMPF:3sg
hamişe	şeʔr	mixând”.		
always	poetry	recite:IMPF:3sg		

تو خانه ما که کار می‌کرد، همیشه شعر می‌خواند.

¹A.Y. Aikhenvald

²evidentiality

³F.R. Palmer

⁴W.L. Chafe

⁵J. Nichols

⁶J. Saeed

⁵F. Boas

⁶tense-aspect

boland boland mixânde?ast
loudly loudly recite: PERF. CONT: 3sg

بلند بلند می‌خوانده است.

(آخنوالد، ۲۰۰۴: ۱۱۵)

با نشانه‌گذاری منبع خبر مشخص می‌شود که گوینده، خبر را چگونه کسب کرده است. زبان‌ها از این حیث که چه تعداد از انواع منبع خبر را رمزگذاری می‌کنند، با یکدیگر متفاوت هستند. بسیاری از زبان‌ها تنها انواع اطلاع‌گزارشی را نشانه‌گذاری می‌کنند. در مقابل برخی از آن‌ها به دسته‌بندی منابع خبری دست اول در مقابل غیردست اول می‌پردازند. از سویی دیگر نمونه‌هایی یافت می‌شوند که میان داده‌های دیداری و داده‌های غیردیداری از جمله شنیدن، بوییدن و منبعی از این دست تمایز قائل می‌شوند. به‌علاوه، در این سیستم بزرگ برای اطلاع‌گزارشی نیز نشانه مجزایی وجود دارد. برای مثال، زبان آراواک^۷ نمونه‌ای از زبان‌هایی است که در شمال غربی آمازون به آن تکلم می‌شود و نظام گواهنمایی پیچیده‌ای دارد. در این زبان، فرد برای این که بگوید، به‌عنوان مثال، فردی در حال بازی فوتبال است، باید مشخص نماید که چگونه آن خبر را کسب کرده است. آیا از نزدیک شاهد ماجرا بوده، آن را شنیده و یا اینکه بواسطه شخص دیگری آن را کسب کرده است. این امر به واسطه چندین نشانه گواهنمایی به‌دست می‌آید که حاصل ترکیب با عنصر زمان هستند و با حذف گواهنما جملات غیردستوری و غیرطبیعی به‌دست داده می‌شوند. از این‌رو، نشانه دیداری با ka-، نشانه شنیداری با mka- رمزگذاری می‌شود. اگر براساس فرض، حدس و گمان مطلب خود را بیان کند از نشانه nika- و اگر خبر براساس استنباط باشد از نشانه sika- و در نهایت اگر از طریق شخص دیگری کسب شده باشد از نشانه pika- استفاده می‌کند. (آخنوالد، ۲۰۰۴: ۳-۲).

تاکنون پژوهشی به بررسی گواهنمایی در آیات قرآن کریم نپرداخته است، اما وجود این ابزار زبانی در کلام الهی به زیبایی و دقت هر چه تمام و به‌واسطه کاربرد ساخت‌های گواهنمای گوناگونی قاطعیت خداوند قادر متعال را نشان می‌دهد. از این‌رو، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی ساخت‌های گواهنمای موجود در آیات سوره مبارکه هود است. این سوره یازدهمین سوره قرآن و حاوی ۱۲۳ آیه است. همچنین، نگارندگان قصد دارند تا نشان دهند که چه ساخت‌های گواهنمایی در این سوره مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟ و کدام یک از ساخت‌های واهنمای به‌کاررفته از بسامد بیشتری برخوردار است؟ نظر به کوتاهی برخی از سوره‌ها و طولانی‌بودن برخی دیگر، تنها سوره هود که یازدهمین سوره قرآن و حاوی ۱۲۳ آیه است، نظر نگارندگان را به خود جلب کرد تا از منظر گواهنمایی به بررسی ساخت‌های به‌کاررفته در آن بپردازند.

^۷Arawak

پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

پژوهش‌های متعددی با هدف بررسی ابزار زبانی گواه‌نمایی به انجام رسیده است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

امیدواری و همکاران (۱۳۹۲) گواه‌نمایی را از دیدگاه رده‌شناسی در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش وجود گواه‌نمای دستوری در زبان فارسی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. این پژوهش راه را برای انجام پژوهش‌های مشلبه و مطالعه دقیق متون فارسی معاصر و همچنین متون مذهبی همچون نهج‌البلاغه از نظر کاربرد ابزار زبانی گواه‌نمایی هموار ساخت.

رضایی (۱۳۹۳) در پژوهشی گواه‌نمایی در فارسی امروز را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ساخت‌های گوناگونی در زبان فارسی وجود دارد که در معنای ثانویه خود به عنوان گواه‌نما به کار برده می‌شوند. علاوه بر این، مشخص می‌شود که ساخت‌های موسوم به ماضی نقلی استمراری و ماضی بعید در فارسی امروز نمایانگر گواه غیر دست اول می‌باشند.

قائمی و همکاران (۱۳۹۵) با در نظر داشتن نشانگرهای دستوری و غیردستوری سخنان امام علی(ع) را در خطبه قاصعه از منظر ابزار زبانی گواه‌نمایی مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که عناصر و راهبردهای واژگانی که به قرآن کریم و استدلال منطقی استناد می‌کنند بیانگر بیشترین میزان قطعیت و صحت هستند. پژوهش‌های این‌چنینی نشان می‌دهند که آیات و روایات نیز از منظر گواه‌نمایی قابل تحلیل و بررسی هستند.

گندمکار (۱۳۹۸) در پژوهشی با آوردن نمونه‌هایی فارسی گفتاری به بررسی گواه‌نمایی در فارسی امروز پرداخته و به روشی توصیفی-تحلیلی و براساس چند نکته وجود گواه‌نمایی در زبان فارسی را رد کرده است. به باور او عنصری صرفی در قالب تکواژ یا واژه‌بست برای اشاره اختصاصی به گواه‌نمایی وجود ندارد و منبع خبر از طذیق وجه فعل و له صورت اختیاری بازنمایی می‌شود. از دیگر موارد مورد بحث در این پژوهش این است که گواه‌نمایی مختص زبان‌های محدودی و در قالب نظام‌های بسیار پیچیده به کار می‌رود.

هاس (۱۹۴۱) به توصیف یک پسوند در زبان تونیکا که دارای معنای گزارشی است، پرداخته است. ارتباط میان مجهول و گواه غیر دست اول نخستین بار توسط کندال (۱۹۷۶) و در خصوص زبان یاولاپای مطرح شد.

لازار^۱ (۱۹۹۶) براین باور است که در زبان فارسی تاجیکی ساخت‌هایی در گذشته و حال وجود دارند که در معنای ثانویه خود دارای مفهوم گواه‌نمایی هستند. چنین چیزی گویای این مطلب که این زبان ممکن است به سمت توسعه نظام گواه‌نمایی پیش برود.

^۱A. Lazard

لازار (۲۰۰۱) نظر به اهمیت گواہ‌نمایی، گفتمان دارای گواہ‌نمایی را نشان‌دار در نظر می‌گیرد و آن را در مقابل گفتمان خنثی و بی‌نشان قرار می‌دهد.

نخستین پژوهش‌های مرتبط با گواہ‌نمایی در قرن ۱۱ و در خصوص صورت‌های زمان گذشته افعال ترکی انجام پذیرفت که در طی آن گواہ‌نماهای غیر دست اول در مقابل گواہ‌نماهای دست اول دسته بندی شدند (فریدمن^۱، ۲۰۰۳). مطالعات قرن ۱۹ نیز تنها به بررسی زبان‌های هندواروپایی اختصاص داشت که در آن‌ها ابزار زبانی گواہ‌نمایی به صورت مقوله دستوری یافت نمی‌شد. اما در ادامه، مطالعاتی انجام شد که در طی آن‌ها به توصیف گواہ‌نماهای دستوری موجود در زبان‌هایی مانند کچوا^۲ و آیمارا پرداخته شد.

آخنوالد (۲۰۱۹) در پژوهشی بیان می‌دارد که در زبان تارینا^۳ تشکیل جمله دستوری تنها زمانی ممکن است که منبع اطلاع به واسطه نشانگرهای صرفی مشخصی ابراز شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مردم عادی در هنگام صحبت درباره فعالیت‌های جادوگران، ارواح جنگل و شفادهندگان صحبت می‌کنند و در مقابل، جادوگران هنگام گزارش و صحبت از تجربیات ماوراءالطبیعه خود از گواہ دیداری استفاده می‌کنند. دلیل چنین امری این است که آنان از سرنوشت افراد و رویدادهای آینده اطلاع دارند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی از طریق بررسی و تحلیل آیات سوره مبارکه هود از منظر گواہ‌نمایی به انجام رسیده است. شایان ذکر است که پژوهش حاضر به توصیف کاربرد گفتمانی گواہ‌نمایی در اقناع و جلب نظر مخاطب پرداخته و تحلیل داده‌ها در آن بر اساس گواہ‌نمایی از منظر آخنوالد (۲۰۰۴) صورت گرفته است. نظر به بالا بودن تعداد آیات قرآن کریم و با در نظر داشتن انسجام در یک سوره، نگارندگان با ارائه نمونه‌هایی از آیات سوره مبارکه هود و با در نظر گرفتن اهمیت گواہ‌نمایی که حتی در کلام الهی نیز قابل مشاهده است، به تحلیل این سوره از منظر گواہ‌نمایی پرداخته‌اند.

گواہ‌نمایی در گفتمان کلام الهی

به گفته آخنوالد (۱:۲۰۰۴) در تعاملات موجود در یک چهارم زبان‌های دنیا نحوه کسب هر گفته یا نوشته باید برای طرفین مشخص شود. برای مثال، گوینده اطلاع خود را به صورت دیداری و از نزدیک کسب کرده یا آن را شنیده است. به علاوه، اگر آن را براساس استنباط به دست آورده یا

¹V. A. Friedman

²Quechua

³Tariana

شخص دیگری آن را گزارش کرده است، باید آن را نشانه‌گذاری کند. بنابراین، می‌توان گواه‌نمایی را مقوله‌ای دستوری در نظر گرفت که در معنای اولیه خود نشان‌دهنده منبع خبر است. به گفته وی (همان: ۳) از جمله افرادی که مقوله گواه‌نمایی را به جامعه زبانی معرفی نمود، یاکوبسن^۱ (۱۹۸۶) بود. اواخر قرن نوزدهم زمانی بود که زبان‌های هندواروپایی کلاسیک به دقت از منظر حضور مقولات مختلف زبان‌شناسی توسط پژوهشگران متعدد مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. پس از بررسی مشخص شد که در این زبان‌ها مشخص کردن منبع خبر به صورت اجباری وجود ندارد؛ از این رو، به صورت مقوله‌ای مجزا مورد توجه واقع نشد اما پس از بررسی زبان‌های بیگانه حضور اجباری مفهوم و مقوله عناصری موسوم به گواه‌نما به صورت دستوری در این زبان‌ها آشکار گردید. در این خصوص می‌توان زبان‌های کچوا و آیمارا را مثال زد. بواس از جمله پژوهشگرانی است که در تعیین ماهیت اجباری و دستوری مقوله گواه‌نمایی تأثیر به سزایی داشت. او (۱۹۱۱ الف، ۴۳) تفکر را ابزاری مؤثر در بیان تصورات ذهنی دارد که در هر زبانی به نحوی بروز می‌یابد. در ادامه او با آوردن مثال آن مرد بیمار است یادآور می‌شود در هر زبانی گوینده این جمله چنانچه خود شخص بیمار را از نزدیک ندیده، باید مشخص کند که از چه طریقی این مطلب را کسب کرده است آیا خود از نزدیک شاهد بیماری آن بوده یا از طریق شایعه یا حدس و گمان و مواردی از این قبیل متوجه این خبر شده است. بواس (۱۹۱۱) در مقاله زبان خود به معرفی زبان‌هایی می‌پردازد که منبع خبر در آن‌ها مقوله‌ای دستوری است. بواس گواه‌نما را به عنوان مفهومی در نظر می‌گیرد که برای نشان دادن آن بتوان شاهد و یا نشانه‌گذاری دیداری در نظر گرفت. برخلاف باور بواس، یاکوبسن^۲ (۱۹۵۷) گواه‌نما را مقوله‌ای دستوری در نظر می‌گیرد که از حدس و گمان و استنباط ساده فراتر است.

به باور آخنوالد (۱۴:۲۰۰۴) تمایز میان وجهیت و گواه‌نمایی نخستین بار از سوی یاکوبسن مطرح شد. شرزر^۳ (۱۹۷۶) زبان‌های بومی آمریکایی را از جمله زبان‌های مرتبط با گواه‌نمایی در نظر می‌گیرد زیرا در این زبان‌ها نشانه‌گذاری منبع خبری اهمیت دارد. به گفته آخنوالد (۲۰۰۴) گواه‌نمایی تنها در ۲۵ درصد زبان‌های دنیا به صورت دستوری رواج دارد. گواه‌نمایی به باور افرادی همچون (دی‌هان^۴ ۱۹۹۱، ۲۰۰۱)، دی‌لنسی^۵ (۲۰۰۱) و آخنوالد (۲۰۰۴) مقوله مستقلی است و نمی‌توان آن را زیرمجموعه وجه‌نمایی در نظر گرفت. از آنجایی که گواه‌نمایی در زبان‌های هند و اروپایی به صورت مقوله‌ای دستوری وجود ندارد، ممکن است پژوهشگران گواه‌نما را به عنوان وجه‌نما در نظر بگیرند و آن را به واسطه نشانه‌های شناختی ترجمه کنند (آخنوالد ۲۰۰۴: ۷).

¹ W. H. Jr. Jacobson

² R. Jacobson

³ J. Sherzer

⁴ F. De Haan

⁵ S. Delancy

همان‌طور که گفته شد، در حدود یک چهارم زبان‌های دنیا نقش مقولۀ دستوری گواه‌نمایی نشانه‌گذاری گذاری خبر است. در این خصوص می‌توان زبان جراورا^۱ را مثال زد که نمونه‌ای زبان‌های آمازونایی^۲ است و نشان دادن منبع خبر در آن اجباری است. در زبان‌های این منطقه گواه دیداری به عنوان گواه دست اول و گواه غیر دیداری به صورت گواه غیردست اول رمزگذاری می‌شود. (همان: ۲۶).

Werokisa -me -no,
name get-down-BACK-IMM.P.NONFIRST.m
Ka -me -hiri -ka
Be.in.motion-BACK-REC.P.FIRST.m -DECI.m
Wero got down from his hammock (which I didn't see), and went out (which I see)

ویرو از تور خوابش پایین آمد (که من ندیدم) و بیرون رفت (من دیدم).

در این گفتمان گوینده تنها شاهد دیدن ویرو در خارج از خانه بوده، اما او را در حال پایین آمدن از تور خوابش ندیده است. از این رو، برای مورد اول گواه دست اول و برای مورد دوم از گواه غیر دست اول استفاده شده است. اگرچه گواه‌نمایی به عنوان مقولۀ دستوری در تمام زبان‌های دنیا وجود ندارد، اما به باور آخنوالد گواه‌نمایی در چنین زبان‌هایی می‌تولند به صورت راهبرد گفتمانی بروز یابد. در زبان فارسی نیز ساختارهایی وجود دارند که در معنای ثانویه خود می‌توانند مفهوم گواه‌نمایی را در بر داشته باشند. به‌طور کلی، گواه‌نمایی در متون مذهبی در تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مخاطب کلام می‌افزاید، زیرا در این متون نیز منابع خبری باید به دقت ذکر شوند. نظر به اینکه گواه‌نمایی در تمامی زبان‌ها به صورت مقوله‌ای دستوری وجود ندارد، اما از نظر ساختاری در تمامی متون و زبان‌ها ساختارهای وجود دارند که به رمزگذاری منبع خبر و اطلاعات می‌پردازند. افرادی همچون چیف و نیکولز (۱۹۸۶) در مجموعه مقالاتی توانستند به ترسیم و تشریح نظام‌های گواه‌نمایی موجود در تمامی زبان‌ها بپردازند. برخلاف باور افرادی همچون آخنوالد، دیهان (۱۹۹۹)، لازار (۱۹۹۹) و دیلنسی (۲۰۰۱) افرادی همچون چیف و نیکولز (۱۹۸۶)، جان سعید^۳ (۲۰۰۹) براین باورند که گواه‌نمایی مقوله‌ای دستوری نیست و می‌توان آن را تنها زیرمجموعه وجه‌نمایی در نظر گرفت. همچنین، آخنوالد (۲۰۰۴: ۶۳) در بررسی‌های خود به تشریح و توضیح انواع منبع خبر می‌پردازد که به قرار زیرند:

۱. دیداری: گواه و اطلاعی که به واسطه حس دیداری از سوی گوینده کسب می‌شود.

¹Jarawara

² Amazonian languages

³J. Saeed

۲. حسی غیر دیداری: گواهی که از طریق سایر حواس از قبیل حس بویایی، چشایی و لامسه به دست می‌آید.

۳. استنباطی: گواه و اطلاعی که اساس آن از طریق شواهد و مستندات قابل رؤیت و یا استنباط حاصل از نتایج یک رویداد به دست می‌آید.

۴. حدس: گواهی که تنها براساس فرضیه، دانش عمومی و یا استدلال منطقی حاصل می‌شود.

۵. شایعه: گواهی که بدون ذکر منبع دقیق کسب شده باشد.

۶. نقل قول: اطلاعی که از طریق منابع قابل ارجاع و بواسطه نقل مستقیم به دست آمده باشد.

از مجموع آنچه ذکر شد تنها دو مورد اول جزو گواه دست اول محسوب می‌شوند و مابقی گواه غیر دست اول هستند.

شایان ذکر است که از جمله پژوهش‌هایی که تا کنون به صورت جدی به آن پرداخته نشده، بحث کاربرد گواه‌نمایی متون مذهبی و به‌طور ویژه قرآن کریم است.

ساخت‌ها و مقولاتی که در معنای ثانویه خود نشان‌دهنده منبع خبر هستند، راهبردهای گواه‌نمایی نامیده می‌شوند (همان: ۱۰۵). آنچه مسلم است این است که چنین ساخت‌هایی با گواه‌نماهای دستوری که در زبان‌های خاصی متداول هستند، متفاوت‌اند. مواردی از قبیل نمودها و وجه‌های غیر خبری (شرطی و غیر واقعی)، زمان‌های گذشته، زمان آینده، استنباطی و کامل، ساخت مجهول، فرآیندهای متمم‌سازی و شخصی، فرآیندهای اسم‌سازی (شامل وجه وصفی و مصدر) در زمره راهبردهای گواه‌نمایی قرار می‌گیرند. گواه‌نمایی در زبان فارسی در اکثر موارد به صورت راهبردهای گواه‌نما یا راهبردهای گواه‌نمایی بروز می‌یابد و گواه‌نماهای دستوری گذشته کامل استمراری و حال کامل استمراری هستند.

بررسی گواه‌نمایی در آیات سوره مبارکه هود

قرآن کریم کلام مطلق و مستندی است که تمامی مسلمانان برای نشان دادن صدق گفتار خود به آن استناد می‌کنند، اما با کمی تدبر می‌توان با نمونه قرار دادن آن نحوه صحیح ابراز منبع خبر و قاطعیت و صراحت در گفتار را الگو برداری کرد. مخاطب این کلام آسمانی انسان است و چنین می‌توان برداشت کرد که ساخت‌های گواه‌نمای به کار برده شده در کلام الهی قابل تأمل و تدبر هستند. با بررسی آیات و روایات مشاهده می‌شود که زمان جملات هر یک با اهداف خاصی به کار برده می‌شود. مثلاً گذشته ساده و حال ساده واقعیت و حتم بودن وقوع و موجودیت امری را می‌رسانند. از طرفی زمان آینده ساده نیز در خصوص وقوع امری که قطعیت آن واضح است، مورد

استفاده قرار می‌گیرد. در خصوص ساخت‌های گزارشی، به منبع دقیق مطلب نقل قول شده اشاره می‌شود و عبارت‌های گواہ‌نما نیز به نوبه خود تأثیرگذار خواهند بود. در ادامه، به انواع ساخت‌های گواہ‌نمای مورد استفاده در آیات سوره هود می‌پردازیم:

زمان و نمود فعل

نمود کامل در معنای اولیه خود نتیجه رویداد و فرآیند را نشان می‌دهد و به نحوی ارتباط میان گذشته و زمان حال را برقرار می‌نماید (آخنولد، ۱۱۲:۲۰۰۴). استنباط در خلال نتایج حوادث و رویدادها و نشانه‌های مربوط به آن‌ها به انجام می‌رسد. در مجموع می‌توان گفت که نمودهای کامل در معنای ثانویه خود به‌عنوان گواہ غیر دست اول به کار برده می‌شوند و این مورد را می‌توان در بسیاری از زبان‌های ایرانی و قفقازی یافت. نمود کامل در زبان فارسی حوادث و رخدادهایی که به نتایج رویداد مربوط می‌شوند و حاصل تجربه غیرمستقیم هستند را نشان می‌دهد. از این‌رو، می‌توان گفت که اطلاعی که از این طریق به دست می‌آید غیر دست اول است و خبر از منبع دیگری گزارش شده است. از طرفی، کاربرد زمان گذشته ساده نشان می‌دهد که گوینده از نزدیک شاهد ماجرا بوده است و به نوعی در معنای ثانویه خود به‌عنوان گواہ دست اول کاربرد دارد. خداوند همیشه شاهد و ناظر اعمال و رفتار ما انسان‌ها بوده و هست از این رو در کلام الهی زمان‌ها در اکثر موارد به صورت حال ساده، حال استمراری، آینده و گذشته‌ی ساده هستند. از طرفی کاربرد این زمان‌ها به صورت تلویحی می‌تولند به این معنا باشد که مخاطب این کلام نیز بهتر است هنگام توضیح وقایع و رخدادها و به منظور دقت هر چه تمام‌تر از این زمان‌ها استفاده کند. زمان حال ساده مطلق بودن رویداد را نشان می‌دهد، حال استمراری، در جریان بودن واقع را نشان می‌دهد. گویی آن رویداد با وجود گذر زمان هنوز نیز در جریان است همچنین، زمان آینده مطلق و حتمی بودن امری را نشان می‌دهد، زیرا خداوند تمامی زمان‌ها را تحت تدبیر خود قرار می‌دهد و همه چیز قابل پیش‌بینی است. زمان گذشته ساده نیز در مواردی مورد استفاده قرار گرفته شده که قطعیت وقوع امری را دوچندان می‌کند و در کنار آن عبارت‌های تأکیدی نیز وجود دارند.

در ذیل نمونه‌هایی از کاربرد زمان‌های مورد استفاده در سوره مبارکه هود آورده شده است:

بازگشت شما به سوی خداست و او بر هر چیزی تواناست	﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۴)
و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست و [او] قرارگاه و محل مردنش را می‌داند همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است	﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (۶)

و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم [گفت] من برای شما هشداردهنده ای آشکارم	(۳) ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (۲۵)
و ای قوم من اگر آنان را برانم چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد آیا عبرت نمی گیرید	(۴) ﴿وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (۳۰)

همانطور که مشاهده می‌شود، زمان آینده مطلق بودن وقوع امری را نشان می‌دهد و بشارت و انذار می‌دهد.

گفت تنها خداست که اگر بخواهد آن را برای شما می آورد و شما عاجز کننده [او] نخواهید بود.	(۵) ﴿قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ (۳۳)
و اگر بخواهم شما را اندرز دهم در صورتی که خدا بخواهد شما را بیراه گذارد اندرز من شما را سودی نمی بخشد او پروردگار شماست و به سوی او باز گردانیده می شوید.	(۶) ﴿وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (۳۴)

آن گونه که در مثال‌ها و آیات ذکر شده مشاهده می‌شود، زمان افعال بیشتر به صورت حال ساده، گذشته ساده، آینده ساده و حال استمراری هستند. با بررسی آیات این سوره مشخص می‌شود که رویدادی که زمان گذشته ساده به وقوف پیوسته، به‌طور مطلق انجام پذیرفته و این مطلق بودن در حال و آینده نیز صادق است. این بدان معناست که تمامی رخدادها تحت قدرت و سلطه خداوند در جریان هستند و هیچ چیز خلاف آنچه خداوند خواسته رخ نمی‌دهد.

در نمونه‌های بالا می‌توان مشاهده کرد که وقوع رخدادی که خداوند آن را هشدار می‌دهد حتمی است. از طرفی، زمان حال ساده واقعیت امری را نشان می‌دهد. زمان گذشته ساده حتمی بودن وقوع رخدادی را یادآور می‌شود. به‌طور تلویحی به مخاطب این گونه متذکر می‌شود که در هنگام شرح رویدادها حقیقت در زمان حال ساده، گذشته ساده و حال استمراری بهتر قابل بیان است و تنها خداست که آینده را می‌داند. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در این آیات و تمامی آیات قرآن کریم زمان آینده برای خداوند گواه دست اول محسوب می‌شود. زیرا همه چیز در محدوده قدرت او در جریان است و اگر وقوع امری را پیش‌بینی کند هرگز خلاف آن حاصل نمی‌شود. این در حالیست که همان‌طور که قبلاً هم بیان شد در برخی از زبان‌ها همچون تاریلنا مردم بر این باورند که تنها جادوگران و ارواح جنگل که نسبت به آینده اطلاع دارند و برای

آن‌ها از گواہ دیداری و دست اول استفاده می‌شود. به طور کلی برای مردم صحبت از زمان آینده امری قطعی و مستقیم نیست و تنها زمان‌های حال و گذشته از نزدیک قابل دسترسی و بررسی هستند.

ساخت‌های گزارشی^۱

به عقیده آخنوالد (۱۱۲:۲۰۰۴) در هر زبانی روشی برای ابزار گفتمان گزارشی وجود دارد و می‌توان گفت که گواہ گزارشی با انواع ساخت‌های نقل قولی و گزارشی هم‌تراز است. او همچنین متذکر می‌شود کاربرد ساخت‌های نقل قولی و گزارشی نشان‌دهنده این واقعیت است که خبر نه به‌طور مستقیم بلکه از شخص دیگری حاصل شده است و بنابراین خبر غیر دست اول است. نقل قول مستقیم در واقع به تأیید آنچه گفته شده می‌پردازد. به باور بریج^۲ (۱۹۱:۲۰۰۱-۱۹۰) کاربرد نقل قول مستقیم در خصوص مواقعی است که گوینده می‌خواهد با فاصله از خبر مسئولیتی در قبال آن نداشته باشد. با بررسی آیات قرآن کریم ملاحظه می‌شود که با اینکه خداوند خود می‌تواند به شرح وقایع و رویدادها بپردازد، به دقت گوینده منابع خبری و وقایع ذکر شده است. این مسئله نیز به نوعی به مخاطب قرآن کریم متذکر می‌شود که در نقل رویدادها و مطالب ذکر نام دقیق منبع مطلب نقل شده اشاره کنید تا کلام شما از قاطعیت مناسبی برخوردار باشد. در بررسی آیات سوره مبارکه هود مشاهده شد که ساخت‌های گزارشی (از قبیل فعل قال به معنی گفتن) به طور مشخص در این سوره از بسامد کاربرد بالایی برخوردار هستند و اشخاص و گروه‌ها به دقت ذکر شده‌اند. در ذیل نمونه‌هایی از کاربرد ساخت گزارشی در سوره مبارکه هود آورده شده است:

گفتند ای نوح واقعا با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی پس اگر از راستگویی آنچه را [از عذاب خدا] به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور	(۷) ﴿قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ (۳۲)
و [نوح] گفت در آن سوار شوید به نام خداست روان‌شدنش و لنگرانداختنش بی گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است	(۸) ﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ جَرَّاهَا وَمُرْسَاهَا إِنْ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۴۱)
و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعا وعده تو راست است و تو بهترین داورانی	(۹) ﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ﴾ (۴۵)

^۱ report structures

^۲ K. Brridge

و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما هیچ معبودی جز او نیست او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد پس از او آموزش بخواهید آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت کننده است	﴿وَإِلَىٰ مُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾ (۶۱)
---	---

در نمونه‌های ذکر شده در بالا و نمونه‌های متعددی از این دست در آیات قرآن کریم و به‌طور خاص سوره مبارکه هود، به منبع دقیق خبر اشاره می‌شود. بنابراین، به شنونده این کلام نیز توصیه می‌کند که که منبع دقیق گزارش خود را در هنگام شرح وقایع ذکر کند. در آیات و روایات نشان دادن منبع نقل قول و گزارش از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به‌طوری‌که، در احادیث و روایات ذکر دقیق نام منبع گزارش بر اعتبار محتوای کلام می‌افزاید. برای مثال، احادیثی که از خداوند یا امامان معصوم (ع) نقل می‌شوند از اعتبار بسیار بالایی برخوردارند. می‌توان گفت که برخلاف باور عمومی نسبت به گفتار گزارشی در متون مذهبی ذکر دقیق منبع گزارش جزو ضروریات محسوب می‌شود و به نوعی گواه گزارشی را در مرتبه مؤثق‌تری قرار می‌دهد.

عناصر واژگانی

عناصر واژگانی را می‌توان عناصری در نظر گرفت که در هر زبانی می‌توانند به عنوان گواه‌نما به کار برده شوند. رویکرد نقش‌گرای مد نظر هلیدی^۱ (۵۸-۵۹:۲۰۰۴) هر بند^۲ زبانی را به‌گونه‌ای در نظر می‌گیرد که چندین لایه معنایی در بر دارد. فرانکش بینافردي^۳ یکی از این لایه‌ها را مورد پوشش قرار می‌دهد که در طی آن مسائلی از قبیل روابط اجتماعی، ابراز دیدگاه‌های فردی و تأثیر بر آراء و افکار دیگران مد نظر است. استفاده از ابزارهای زبانی همچون قیدها توسط گوینده به منظور تأکید بیشتر و تغییر نگرش مخاطب صورت می‌پذیرد. در سوره مبارکه هود نیز قیدهای تأکیدی فراوانی در ابتدای آیه مشاهده می‌شوند که بر میزان قاطعیت کلام الهی می‌افزاید. در ذیل نمونه‌هایی از کاربرد این قیدهای تأکیدی آورده شده است:

و قطعاً پروردگارت [نتیجه] اعمال هر یک را به تمام [و] کمال [و] به آنان خواهد داد چرا که او به آنچه انجام می‌دهند آگاه است	﴿وَإِنَّ كَلًّا لَّمَّا لَيُؤْفِقَنَّهِنَّ رَبُّكَ أَعْمَاهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (۱۱۱)
---	--

¹ M. A. K. Halliday

² clause

³ interpersonal metafunction

﴿۱۲﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿۱۰۳﴾ قطعاً در این [یادآوریه‌ها] برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد عبرتی است آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می‌آورند و آن [روز] روزی است که [جملگی در آن] حاضر می‌شوند	
و به راستی موسی را با آیات خود و حتی آشکار. به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون صواب نبود	﴿۱۳﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۹۶) إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿۹۷﴾

همان‌طور که در نمونه‌های بالا می‌توان ملاحظه کرد، وجود عبارتهای تأکیدی در ابتدای آیات
توجه مخاطب را به مطلب مورد بحث جلب می‌کند و بر میزان قاطعیت کلام می‌افزاید.

ضمایر اشاره

ضمایر اشاره نیز جزو عناصر واژگانی که در معنای ثانویه خود می‌توانند به‌عنوان گواهنما مورد
استفاده قرار بگیرند. در آیات سوره مبارکه هود نیز مواردی می‌توان مشاهده کرد که ضمایر اشاره در
معنای ثانویه خود به‌عنوان گواهنما به‌کار برده می‌شوند، زیرا به چیز مشخص و معینی اشاره
می‌کنند. در آیات سوره مبارکه هود نیز مواردی از این دست آورده شده که در ذیل به آن‌ها خواهیم
پرداخت:

این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو پس شکبیا باش که فرجام [نیک] از آن تقوایندگان است	﴿۱۴﴾ تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۴۹﴾
و این [قوم] عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و فرستادگانش را نافرمانی نمودند و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه جوی رفتند	﴿۱۵﴾ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۵۹﴾
و ای قوم من این ماده شتر خداست که برای شما پدیده ای شگرف است پس بگذارید او در زمین خدا بخورد و آسیبش مرسانید که شما را عذابی زودرس فرو می‌گیرد	﴿۱۶﴾ وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أََرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿۶۴﴾

قطعا در این [یادآوریه] برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد عبرتی است آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند و آن [روز] روزی است که [جملگی در آن] حاضر می شوند	(۱۷) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (۱۰۳)
--	--

همان طور که از نمونه های بالا می توان دریافت ضمائر اشاره موضوع خاصی را مورد نظر مخاطب قرار می دهند و از این رو بر قاطعیت کلام می افزایند.

نتیجه گیری

تاکنون پژوهش های متعددی از زوایای مختلف سعی در تفسیر، تدبر و بررسی لایه های پنهان در این کلام اعجاز انگیز را داشته اند. بررسی کلام الهی که خود سند معتبری برای نشان دادن صدق گفتار و صحت منبع خبر است نشان می دهد که قاطع بودن در نشان دادن منبع خبر مورد توجه ذات مقدس خداوند است و انسان را نیز که مخاطب این کتاب آسمانی به قرارگیری در این مسیر دعوت می کند. ابزار زبانی گواه نمایی در زبان ها و متون مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، اما یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که می توان با الگو قرار دادن کلام الهی تعاملات سالم و صریح تری برقرار نمود. به علاوه پس از بررسی آیات سوره هود مشخص شد که ساخت های تأکیدی همچون إِنَّ (قطعا)، ساخت های گزارشی با صرف فعل قَالَ (گفتن)، ضمائر اشاره، زمان های گذشته ساده و حال ساده، آینده ساده و حال استمراری از موارد ساخت های گواه نمای مورد استفاده در این سوره هستند. از دیگر موارد مورد اشاره این است که زمان های حال ساده، گذشته ی ساده، حال استمراری و آینده، ساخت های گزارشی، ساخت های تأکیدی و ضمائر اشاره ساخت های گواه نمای مورد استفاده در این سوره هستند و به همین ترتیب از بیشترین تا کمترین میزان مورد استفاده قرار گرفته اند. علاوه براین، ذکر منبع خبر در آیات و روایات بسیار حاضر اهمیت است. برای مثال در نقل و گزارش احادیث ذکر دقیق منبع خبر بر اعتبار محتوای کلام می افزاید و در مخاطب تأثیر به مراتب بیشتری می گذارد. این مسئله زوایای پنهانی از کاربرد گواه نمایی را در معرض توجه قرار می دهد. در آیات بررسی شده نیز مشخص شد که خداوند با دقت نظر خاصی به ذکر دقیق منبع گزارش می پردازد که اقتضای هر تعاملی است و با این عمل حجت را بر مخاطب تمام می کند و از هر گونه اطناب و تردید پرهیز می نماید. در خصوص زمان های به کار برده شده در آیات مورد بررسی نیز می توان گفت که تمامی زمان ها اعم از حال، گذشته و آینده برای خداوند به عنوان گواه دست اول در نظر گرفته می شوند زیرا خداوند در همه حال شاهد، گواه و ناظر بر تمامی حالات و حوادث است و اگر به وقوع رویدادی در آینده اشاره نماید وقوع آن حتمی است. این درحالیست که با توجه

به محدودیت ما انسان‌ها تنها زمانی که از گذشته ساده در کلام خود بهره می‌بریم این ساخت در معنای ثانویه خود به عنوان گواه دست اول در نظر گرفته می‌شود زیرا با کاربرد این ساخت به مخاطب اینگونه القاء می‌شود که ما خود از نزدیک شاهد ماجرا بوده‌ایم. در خصوص کاربرد زمان آینده نیز باید گفت که ما انسان‌ها نمی‌توانیم نسبت به وقوع حتمی رویدادی در آینده مطمئن صحبت کنیم و بنابراین این ساخت نمی‌تواند به گواه دست اول و مستند از طرف ما به کار برده شود. خداوند با به‌کارگیری ساخت‌های تأکیدی و ضمائر اشاره نیز سعی در جلب نظر مخاطب و بالابردن قاطعیت و مطلق بودن کلام خود دارد. شایان ذکر است که گواه و گواه‌نمایی جز جدایی‌ناپذیر زندگی ما انسان‌ها است. از ابتدای هستی شاهدان و گواهان بر اعمال و رفتار ما گماشته شده‌اند که فرشتگان و اولیاء الهی از آن جمله هستند تا به ثبت دقیق وقایع بپردازند. نظر به قاطعیت کلام خداوند که همه چیز را با دقت، صحت و شفافیت هر چه تمام برای ما انسان‌ها تشریح می‌نماید وظیفه هر انسانی این است که در تعاملات خود نسبت به انجام این امر همت داشته باشد. اگرچه در برخی زبان‌ها گواه‌نمایی به صورت مقوله‌ای دستوری رمزگذاری می‌شود، اما حتی اگر در زبانی تنها ساخت‌هایی در معنای ثانویه خود به عنوان گواه‌ها به کار برده می‌شوند، کاربرد گواه‌نمایی اقتضای هر تعاملی است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که کلام خداوند قاطع است و از هرگونه حدس و گمان، تردید یا استنباطی پرهیز شده است تا مخاطب تنها به درک محتوای مطالب بپردازد.

منابع

- قرآن کریم، سوره هود
امیدواری، آرزو، و گلفام، ارسلان. (۱۳۹۲). بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی: رویکردی رده‌شناختی. *جستارهای زبانی*، ۸(۱)، ۷۹-۹۹
- رضایی، والی. (۱۳۹۳). بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی امروز. *پژوهش‌های زبانی*، ۵(۱)، ۴۰-۲۱
- قائم، مرتضی، و ذوالفقاری، اکرم. (۱۳۹۵). گواه‌نمایی در خطبه قاصعه. *لسان‌مبین*، ۸(۲۶)، ۱۲۸-۱۰۳
- گندمکار، راحله. (۱۳۹۸). تحلیل معنایی گواه‌نمایی در زبان فارسی. *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، ۴(۲)، ۹۹-۱۲۰
- Aikhenvald, A. Y. (2004). *Evidentiality*. New York: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. Y. (2019). The tenets of the unseen: The preferred information source in Tariana. *Journal of Researchgate*, 60-75.
- Boas, F. (1911a). *Introduction*. In F. Boas (ed.), *Handbook of American Indian Languages*. Part 1. Smithsonian Institution. Bureau of American Ethnology Bulletin 40, 5-83.
- Boas, F. (1938). *Language*. In F. Boas (ed.), *General Anthropology*. Boston, New York: D. C. Heath and Company, 124-45.
- Brridge, K. (2001). *Blooming English*. Sydney: ABC.
- Chafe, W. L. and Nichols, J. (eds.) (1986). *Evidentiality: The Linguistic Coding of Epistemology*.

- Norwood, NJ: Ablex.
- De Haan, F. (1999). Evidentiality and epistemic modality: Setting boundaries. *Southwest Journal of linguistics*, 18: 83-102.
- DeLancey, S. (2001). The imitative and evidentiality. *Journal of Pragmatics* 33:369-82.
- Friedman, V. A. (2003). *Evidentiality in the Balkans with special attention to Macedonian and Albanian*. In Aikhenvald and Dixon (eds.) (2003: 189–218).
- Hass, M. R. (1941). The classification of the Muskogean languages. Pp. 41-56 in *Language, Culture, and Personality: Essays in Memory of Edward Sapir*. Leslie Spier et al., eds. Menasha, Wisc. Banta Publishing Company. (Reprinted: University of Utah Press, Salt Lake City, 1960.)
- Halliday, M. A. K. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3rd ed. revised by C. Matthiessen. London: Arnold.
- Jacobson, R. (1957) *Shifters, Verbal Categories and the the Russian Verbs*. Cambridge: Harvard University.
- Jacobsen W. H. Jr. (1986). *The heterogeneity of evidentials in Makah*. In Chafe and Nichols (eds.) (1986: 3–28).
- Lazard, G. (1996). Le médiatif en Persian, in Guétcheva (ed.) (1996; 21-30).
- Lazard, G. (2001). On the grammaticalization of evidentiality. *Journal of Pragmatics*, 33.358-68.
- Nichols, J. (1986). *The bottom line: Chinese Pidgin Russian*. In Chafe and Nichols (eds.) (1986: 239–57).
- Palmer, F. R. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Saeed, J. (2009). *Semantics*. 3rd ed. Oxford: Wiley Blackwell